

نویسنده: ماری لینا پاتوو ماتس «Marylene Patau Mathis».
منبع و تاریخ نشر: یونسکو (2020-01-01).
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

منشا خشونت

The origins of violence

تصویر ما از انسان ماقبل تاریخ وحشی و جنگجو، که حتی امروز نیز وجود دارد، در واقع یک افسانه است که در نیمه دوم قرن نوزدهم ابداع شده است. تحقیقات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در واقع خشونت جمعی با بی‌حرکی جوامع و گذار از اقتصاد شکارچی به اقتصاد تولیدی پدیدار شد.

Our image of the wild and warlike prehistoric human, which persists even today, is actually a myth, devised in the second half of the nineteenth century. Archaeological research shows that, in fact, collective violence emerged with the sedentarization of communities and the transition from a predation economy to a production economy.



مهم‌ترین مکان‌های زیستگاه گروه‌های شکارچی-گردآورنده اولیه در آمریکای جنوبی محسوب می‌شود. در استان سانتا کروز، آرژانتین.

M arylène Patou-Mathis ماقبل تاریخ، مدیر تحقیقات مرکز ملی تحقیقات علمی
فرانسه (CNRS) و مدیر مشترک پروژه **UMR 7194 Histoire Naturelle de l'Homme Préhistorique (HNHP)**، تاریخ طبیعی انسان ماقبل تاریخ (در ملی
است. موزه تاریخ طبیعی در پاریس.

حتی اگر امروزه، آن انسانهای ماقبل تاریخ که تا هنوز در تخیل عامه به عنوان موجوداتی
خشن در تضاد همیشگی تلقی می شوند، آیا واقعاً آن جوامع (جوامع ماقبل تاریخ) به اندازه
جامعه کنونی ما خشن بودند؟ تنها بقایای باستان شناسی می تواند پاسخی برای این
پرسش ها بدهد. برای توصیف یک عمل خشونت آمیز، باستان شناسان تأثیرات پرتابه ها
یا ندهه ها ناشی از ورود ضربات و ملاحظه ای جراحات ناشی از آن روی استخوان های
انسان را بررسی می کنند، یعنی وضعیت اسکلت های باقی محفوظ مانده شده را ارزیابی
می کنند و محیطی را که در آن این اسکلت ها کشف شده اند تجزیه و تحلیل می کنند.

در حال حاضر، قدیمی ترین آثار خشونت که یافت شده است، آثاری است که از
اعمال و یا عملکرد آدم خواری حاصل شده است. یعنی بر روی استخوان های انسان پارینه
آثاری از انقباض، لاغری (از بین رفتن گوشت)، شکستگی و تکلیس (calcification)
مشاهده شده است. این عمل نسبتاً نادر - که (780000 سال پیش رخ داده است و اکنون که
در کوه های Sierra de Atapuerca در اسپانیا ملاحظه و ثبت شده است - در سایر جوامع
شکارچی-گردآورنده عشایری عصر حجر و در میان کشاورزان دام داران نوسنگی ادامه
داشت. اما این شواهد از عمل یک انسان بر بدن انسان دیگر این سؤال را ایجاد می کند: آیا
قربانیان قبل از خوردن کشته شدند؟ در واقع، آدم خواری رژیم را می توان بر روی
افرادی که قبلاً مرده اند اعمال کرد - مانند اندوکانیالیسم تشییع جنازه، که شامل خوردن
یکی از اعضای خانواده خود پس از مرگ آنها است.

تنها وجود آثار بریدن سر بر روی استخوان های انسان، یا جراحات ناشی از برخورد
پرتابه ها یا گذار ضربات توسط ابزار سخت یا ابزارهای کند که باعث مرگ می شود،
می تواند این فرضیه را تأیید کند که قربانیان مصرف شده با خشونت کشته شده اند. در دوران
پارینه سنگی «عصر حجر»، این علائم در کمتر از (30) مورد مشاهده شد. این سؤال باقی
است: آیا «خورندگان» و «خورده شده ها» متعلق به یک جامعه بودند؟ اگرچه امروزه رویه
آدم خواری - هم رژیمی و هم آیینی - در چندین مکان پارینه سنگی ثبت شده است، اغلباً
دشوار است که بدانیم آیا این یک درون خواری بود یا یک آگزوکانیالیسم.

عدم وجود خشونت جمعی

بدون در نظر گرفتن این زمینه خاص، تنها کمتر از دوازده مورد خشونت - برخورد
پرتابه، ضربات به سر - بر روی صدها استخوان انسان با قدمت بیش از 12000 سال

شناسایی شده است. اما آیا این صدمات ناشی از یک تصادف است یا یک عمل خشونت آمیز در جریان یک درگیری بین فردی، درون گروهی یا بین گروهی؟ برای این دوره های اولیه، ایجاد تمایز دشوار است. با این حال، در بسیاری از موارد، جراحات، مانند جراحات ناشی از ضربه یا ضربه به سر، بهبود یافته بود. بنابراین این افراد کشته نشدند، تا ثابت شود که جراحات آنها در نتیجه تصادف یا نزاع بین دو نفر بوده است.

در موارد دیگر، دوباره این سوال در مورد هویت متجاوز مطرح می شود - آیا فرد عضوی از جامعه قربانی بوده یا یک فرد خارجی؟ این بی پاسخ می ماند. علاوه بر این، استفاده از استخوان های انسان در ساخت اشیاء یا زیور آلات خانگی، شرایط مرگ افرادی را که استخوان آنها هستند نیز مطرح می کند. در بیشتر این موارد، نتیجه گیری اینکه مرگ خشونت آمیز بوده است دشوار است، زیرا آنها به همین راحتی می توانند یک مراسم تشییع جنازه خاص را تأیید کنند.

داده های باستان شناسی نشان می دهد که نوعی خشونت قبلاً در دوران پارینه سنگی وجود داشته است، به ویژه مراسمی که شامل آدمخواری می شود. اما تاکنون هیچ مدرکی دال بر خشونت دسته جمعی پیدا نشده است. در اکثر موارد حفظ شده و مطالعه شده (خارج از زمینه آدمخواری)، تنها یک فرد قربانی خشونت بوده است - که ممکن است منعکس کننده وجود درگیری های بین فردی (که به ندرت کشنده بوده است) یا مناسب قربانی باشد.

بنابراین منطقی است که فرض کنیم در دوره پارینه سنگی هیچ جنگی وجود نداشته است. دلایل متعددی وجود دارد که می تواند این غیبت را توضیح دهد - جمعیت کم، قلمرو معیشتی به اندازه کافی غنی و متنوع، کمبود منابع، و ساختار اجتماعی برابری طلبانه و سلسله مراتبی کمتر.

در میان این گروه های کوچک شکارچیان عشا پیری، همکاری و حمایت متقابل بین همه اعضای طایفه برای بقای آنها ضروری بود. علاوه بر این، درک خوب بین آنها برای اطمینان از تولید مثل، و بنابراین فرزندان ضروری بود. بنا بر این به اصطلاح "وحشی گری" انسان های ماقبل تاریخ فقط یک افسانه است - که در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم برای تقویت گفتمان در مورد پیشرفت حاصل از تولد بشریت و مفهوم "تمدن" ابداع شد. " این تصویر از انسان های ماقبل تاریخ «خشن و جنگجو» نتیجه یک ساختار علمی است که توسط هنرمندان و نویسندگان رایج شده است.

t

توسعه درگیری ها

به نظر می رسد خشونت جمعی با بی تحرکی جوامع در پایان دوران پارینه سنگی، حدود (13000) سال قبل از میلاد در خاور نزدیک ظاهر شده است. اما باز هم فقط یک یا

چند نفر کشته شد ند. این ممکن است منعکس کننده وجود درگیری ها در درون گروه باشد، اما همچنین ظاهر فداکاری های انسانی را نشان می دهد.

دو مکان از این امر مستثنی هستند: سایت 117 جبل صحابه، در ساحل راست نیل در مرز شمالی سودان در مصر. و نا تاروک در غرب دریاچه تورکانا در کنیا.

در گورستان جبل صحابه، بین 14340 تا 13140 سال قبل از امروز، نیمی از پنجاه و نه اسکلت (کشف شده در سال 1964) از مردان، زنان و کودکان در تمام سنین - که از چندین گودال پوشیده شده با تخته سنگی حفاری شده بودند - با خشونت مرده بودند.

فوت شدگان.

این مرگ ها یا در اثر ضربات وارده به سر بود، یا پس از سوراخ شدن بدن آنها توسط سر نیزه ها یا نوک پرتابه های سنگی، که برخی از آنها هنوز در بقایای آنها جاسازی شده بود. سه نفر از این افراد احتمالاً روی زمین دراز کشیده بودند که به قتل رسیدند. حتی اگر این سوال که آیا تمام پنجاه و نه جسد در یک زمان دفن شده اند یا خیر، بی پاسخ بماند، این سایت نشان دهنده اولین مورد اثبات شده خشونت جمعی است. پرخاشگری درون گروهی بود یا بین گروهی؟ بحث همچنان باز است.

حدود (10000) سال پیش در نا تاروک، بیست و هفت نفر از جمله مردان، زنان و کودکان احتمالاً به باتلاق انداخته شدند. ده تن از دوازده جسدی که کاملاً حفظ شده بودند، دارای ضایعات ناشی از اعمال خشونت آمیز بودند و دوتن از آنها، از جمله یک زن باردار، دستا نشان بسته بود. این گروه کوچک شکارچی-گردآورنده برای اولین بار در سال 2012، دور از یک زیستگاه، ممکن است توسط گروه دیگری در خلال اقامت دور از خانه هایشان نابود شده باشند.

از شکار تا تولید

ردپای اعمال خشونت آمیز در دوره نوسنگی بیشتر دیده می شود. این دوره با تغییرات بسیاری با ماهیت متفاوت مشخص شد. آنها محیطی بودند (گرما بیش جهانی). اقتصادی (اهلی کردن گیاهان و حیوانات، جستجوی مناطق جدید، مازاد و ذخیره مواد غذایی)؛ اجتماعی و اجتماعی (بی تحرکی، انفجار جمعیت محلی، ظهور نخبگان و کاست ها) و در پایان این دوره مذهبی (الهه ها جای خود را به الوهیت های مردانه دادند).

در چندین گورستان که مربوط به حدود {8000 تا 6500} سال پیش است، نوع سلاح های استفاده شده (تصادف چند تیر) و تکه های سفال مرتبط با اجساد، گواه درگیری های

داخلی یا بین روستایی است. بقایای این قربانیان گواه رویدادهای غم انگیزی است که به یک بحران (جمعیت شناسی، حکومتداری، اپیدمیولوژیک) یا انجام مناسک - تشییع جنازه، تادیبه، کفاره یا بنیادی - با قربانی های انسانی که گاهی اوقات با غذای آدمخواری مرتبط است، مرتبط است.

با این حال، وجود درگیری بین دو گروه یا جامعه را نمی توان رد کرد، همانطور که توسط نقاشی های خاصی بر روی دیوار پناهگاه های صخره ای در اسپانیا نشان داده شده است. قدمت بین (10000 تا 6500) قبل از عصر کنونی (پیش از میلاد)، صحنه هایی از برخوردهای مسلحانه بین گروه های کم انداز را نشان می دهند - صحنه هایی که در هنر جداری پارینه سنگی وجود ندارند.

به نظر می رسد تغییر در اقتصاد (از شکار به تولید) که خیلی زود منجر به تغییر اساسی در ساختارهای اجتماعی شد، نقش عمده ای در توسعه درگیری ها داشته است. برخلاف بهره برداری از منابع در طبیعت، تولید غذا امکان انتخاب مازاد مواد غذایی را فراهم می آورد که باعث ایجاد مفهوم مالکیت - و در نتیجه، ظهور نابرابری ها شد.

خیلی سریع، کالاهای ذخیره شده حسادت را برانگیخت و مبارزات داخلی را برانگیخت، اما همچنین غنیمت بالقوه در درگیری های بین جوامع بود. همانطور که با ظهور چهره های رئیس و جنگجو در اروپا در دوره نوسنگی (مشاهده در هنر صخره و تدفین) در اروپا مشهود است، این تغییر در اقتصاد همچنین منجر به ساختار سلسله مراتبی در جوامع کشاورزی - شبانی شد. ظهور نخبگان و کاست ها شامل جنگجویان و در نتیجه بردگان برای انجام کارهای کشاورزی به ویژه می شد.

علاوه بر این، ظهور نخبگانی با منافع و رقابت های خاص خود، کشمکش های داخلی قدرت و درگیری های بین اجتماعی را برانگیخت. تنها از 5500 سال قبل از میلاد، که با ورود مهاجران جدید مشخص شد، آثار درگیری بین روستاها بسیار بیشتر شد. اینها در عصر برنز، که قبل از (3000) سال قبل از میلاد آغاز شد، تکثیر شدند. در این دوره بود که سلاح های جنگی اصیل ساخته شده از فلز ظاهر شد، جنگ نهادینه شد.

علل تاریخی و اجتماعی خشونت

در حالی که امروزه ارزیابی میزان واقعی اعمال خشونت آمیز در دوران ماقبل تاریخ دشوار است - زیرا ارزیابی اهمیت این پدیده احتمالاً با وضعیت یافته ها و مطالعات قابل قبول است - می توان ایده هایی را مطرح کرد. به نظر می رسد، از یک سو، تعداد مکان های ماقبل تاریخ که در آن اعمال خشونت آمیز مشاهده شده اند، نسبت به گستره جغرافیایی و مدت دوره مورد بررسی (چند 100000 سال) کم است.

از سوی دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه رفتار خشونت‌آمیز با دیگران قدیمی است، اما جنگ همیشه وجود نداشته است. به نظر می‌رسد که منشأ آن با توسعه اقتصاد تولید مرتبط باشد، که خیلی زود منجر به تغییر اساسی در ساختارهای اجتماعی شد.

خشونت در ژن ما حک نشده است. ظهور آن دلایل تاریخی و اجتماعی دارد - مفهوم "خشونت اولیه (اصلی)" یک افسانه است. بنابراین جنگ از شرایط انسانی جدایی‌ناپذیر نیست، بلکه محصول جوامع و فرهنگ‌هایی است که ایجاد می‌کند. همانطور که مطالعات جوامع اولیه بشری نشان می‌دهد، زمانی که جامعه با بحران‌ها مواجه می‌شود، اگر مبتنی بر همکاری و حمایت متقابل باشد، به جای فردگرایی و رقابت، انعطاف‌پذیرتر است.

در مورد واقعیت زندگی اجداد ما، احتمالاً جایی بین دو بینش - هر دو افسانه‌ای - از ظلم‌های هابزی (سپیده‌دم‌های بی‌رحمانه، کتاب شعر در دوران ماقبل تاریخ، توسط دانشمند و نویسنده، هانری ژاک) قرار دارد. پرومن، (1879-1962)، و عصر طلایی شکوفایی بشر که توسط فیلسوف ژان ژاک روسو تصور شده است

----- **با تقدیم احترامات** «16-07-2024»